



بررسی جایگاه مدارس هوشمند در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کشور ایران

- حسین یزدان پناه^۱، فرزاد نعمتی^۲، عباس ملاحی^۳، تیمور مخلصی^۴
- ۱- کارشناس مسئول فناوری مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب
- ۲- کارشناس فناوری مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب
- ۳- کارشناس آمار و برنامه ریزی نیروی انسانی مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب
- ۴- کارشناس آموزش نیروی انسانی مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب

چکیده

مدارس هوشمند یکی از عرصه‌هایی است که فناوری اطلاعات و ارتباطات با مدلی همه جانبه و کل نگرانه و با اهداف و مأموریت‌های از پیش تعیین شده، وارد حوزه آموزش می‌شود. هدف اصلی مدرسه هوشمند آماده سازی نسل آینده کشور برای زندگی در عصر اطلاعاتی و شکوفایی استعدادهای بالقوه دانش آموزان متناسب با علایق و پتانسیل آنهاست. زندگی در قرن بیست و یکم به سمتی پیش رفته که آموزش مهارت‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر مبدل شده است. فناوری اطلاعات و ارتباطات تحولات گسترده‌ای را در عرصه‌های مختلف زندگی بشر به همراه داشته است و از این رو جهان امروز بسرعت به استقبال یک جامعه اطلاعاتی می‌رود؛ جامعه‌ای که استفاده از ابزارهای نوین برای دسترسی به دانش و استفاده از آن نقش مهمی دارد. در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما راه‌اندازی مدارس هوشمند مورد توجه مسئولان نظام آموزشی قرار گرفته است. این روزها دیگر تعلیم و تربیت در چگونه خواندن و چگونه نوشتن خلاصه نمی‌شود، بلکه کار با ابزار تکنولوژیکی و چگونگی انجام این کار مورد توجه است. در این خصوص، آموزش و پرورش ایران، گام‌های بلندی را برداشته است هر چند که هنوز تا رسیدن به آنچه باید باشد، فاصله بسیار زیادی است. هدف پژوهش حاضر بررسی جایگاه مدارس هوشمند در اسناد بالادستی و بخصوص سند بنیادین وزارت آموزش و پرورش است که با شیوه اسنادی و بررسی اسناد مکتوب صورت گرفته است. مدل پژوهش توصیفی و با رویکرد غیر پیمایشی و به صورت کیفی صورت پذیرفته است. نتایج نشان می‌دهد مدارس هوشمند در اسناد بالادستی در چشم اندازهای بلند مدت به شدت مورد توجه قرار گرفته اند و لزوم وجود این چنین مدرسی در نظام آموزش و پرورش از ملزومات سنوات آینده می‌باشد.

واژگان کلیدی: مدارس هوشمند، سند تحول بنیادین، فناوری اطلاعات و ارتباطات، اسناد بالادستی

۱- مقدمه :

امروزه مهمترین دغدغه‌ی نظام آموزشی و پرورشی یک کشور، ایجاد بستری مناسب جهت رشد و تعالی سرمایه‌های فکری در جامعه اطلاعاتی و دانایی محور می‌باشد. برای آنکه همه‌ی گروه‌های اجتماعی قادر باشند بطور مؤثر درچنین جامعه‌ای مشارکت داشته باشند، باید یادگیری پیوسته، خلاقیت، نوآوری و نیز مشارکت فعال و سازنده‌ی اجتماعی را بیاموزند. تحقق این امر مستلزم تعریف مجدد و نوینی از نقش و کارکرد آموزش و پرورش و مدارس می‌باشد. امروزه نظام آموزشی کشور به مدرسه‌ای نیاز دارد که با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا)، امکان یادگیری پیوسته را فراهم نموده و فرصت‌های نوینی را در اختیار افراد برای تجربه‌ی زندگی در جامعه اطلاعاتی قرار دهد، به گونه‌ای که این فناوری نه به عنوان ابزار، بلکه در غالب زیرساخت توانمندساز برای تعلیم و آموزش حرفه‌ای محسوب می‌شود.